

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۴۸۵۳
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۳۱۳۵/۱۶۹ رده بندی کنگره: ذ ۸۰۳/۲

جایگاه کیفری پلیس در پیشگیری از ارتکاب جرائم

سینا نجفی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

پلیس به حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرائم، دستگیری مجرمان، جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سالهاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته اند. پلیس سازمان امنیتی- انتظامی است که در تمام کشورها، از جمله، وظیفه پیشگیری از جرائم را بر عهده دارد و پیشتر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. اعضای پلیس افراد آموزش دیده و ورزیده ای هستند که پیشگیری از جرائم می نمایند. در این رهگذر روش های پیشگیری همانند خود جرم، گونه های متعددی را شامل می شوند، گونه هایی که حسب مورد ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و آموزشی و در گام نهایی کیفری به خود می گیرند، به واقع آن گاه که شیوه های غیر کیفری از حفظ ارزش ها ناتوان هستند، از قوی ترین ابزار یعنی کیفر استمداد می شود، بدین معنا که قوانین کیفری وضع می گردند و مرتکبان اعمال مجرمانه مجازات می شوند، تا از بزه کاری های آتی مجرم متحمل کیفر و سایر افراد جامعه جلوگیری به عمل آید و در همین نقطه است که پیوند بازدارندگی و پیشگیری جشن گرفته می شود.

واژگان کلیدی: مجازات- بازدارندگی- پیشگیری- تکرار جرم- حتمیت- قطعیت.

بخش اول: کلیات

مطالعات و یافته های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات، آن هم از انواع شدید آن، استفاده می کرده اند (پیشگیری کیفری) به عنوان نمونه، قانون «هیتی ها» یا «هی تیت ها» و قانون «حمورابی» که مربوط به حدود چهار هزار سال پیش است و حدود یک قرن پیش کشف شده اند، رژیم کیفری نسبتاً شدیدی را البته با درجه های متفاوتی برای حمایت از ارزش ها غالب و حاکم در جوامع خود و نیز مبارزه با متجاوزان به این ارزش ها پیش بینی کرده بودند. اما به حکایت همین یافته های حقوق کیفری و مکاتب مختلف فلسفی - کیفری، این شدت و حدت نظام کیفری نتوانسته است آن طور که انتظار می رفته است، منحنی جرائم را مهار کند یا آن ها را از میان ببرد. توکد رشته های انسان شناسی جنایی و سپس جرم شناسی در ربع آخر سده نوزدهم تا حد زیادی به دنبال شکست نظام کیفری در مهار موج بزهکاری بوده است. موضوع جرم شناسی یعنی علم جرم، بررسی ماهیت و فرآیند تکوین جرم یا به عبارت دیگر علت شناسی جرم است. اگر چه جرم شناسی موضوع مطالعه عمده خود یعنی جرم را از حقوق کیفری می گیرد، لیکن برای انجام تحقیقات و مطالعات خود به عنوان رشته ای مستقل از مفاهیم و روش های خاص خود استفاده می کند. مثلاً به جای جرم که مفهومی است حقوقی از اصطلاح و مفهوم تبهکاری یا بزهکاری استفاده می کند که معنا و آثار خاص خود را در این علم دارد. بی تردید مفهوم بزهکاری خرد یا کوچک، مفهومی متغیر در مکان و زمان است. چه بسا جرمی که در فرانسه کم اهمیت و پیش پا افتاده تلقی می شود، در ایران جرم متوسط یا یک جرم بزرگ تلقی گردد، یا بالعکس. همان طور که پیش تر گفته شد، جرم شناسی از طبقه بندی بزهکاری هدف های خاص خود را دنبال می کند.

بند اول: پیشگیری از جرم در اسلام

در تعالیم دین اسلام پیشگیری از جرائم اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. بررسی متون فقهی نشان می دهد که دین اسلام برای پیشگیری از وقوع هر دسته از جرائم، تعالیم خاصی ارائه کرده است، به طور مثال برای پیشگیری از ربا دادن و گرفتن که در میان بسیاری از کشورها رایج شده است، قرض الحسنه را برای حل مشکلات مردم پیش بینی کرده و با ضمانت اجرای سنگین ربا را منع نموده است. برای جلوگیری از انحرافات جنسی (زنا کاری و فحشا) آسان گیری در امر ازدواج را ترویج کرده است. از تعالیم بسیار مؤثر اسلام در پیشگیری از بزهکاری، امر به معروف و نهی از منکر و پاسخ های مردمی به جرائم و کثروی های اجتماعی است. به طور مسلم در صورتی که این اقدام ها به طور صحیح اعمال شود، نتایج بسیار مثبتی به بار می آورد. امر به معروف و نهی از منکر باید خصوصیتی داشته باشد که مهم ترین آن ها موافق بودن قول و عمل، آزادگی و آزاد مردی، شرح صدر، آشنایی با معروف و منکر، حسن خلق و پرهیز از سخن مبهم است. امر به معروف و نهی از منکر از ابزار قوی برای ترسیم سیاست جنایی کشورهای اسلامی است و باید در برنامه ریزی سیاست جنایی از آن بهره برداری نمایند.

بند دوم: پیشگیری از جرم در قوانین جزایی

گنگره های پنج ساله سازمان ملل متحد تحت عنوان «پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران» و یکی از کمیسیون های فنی شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان نیز تحت عنوان «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» نام گذاری شده است. «کمیته اروپایی مسائل جنایی» شورای اروپا در همایش ها، قطعنامه ها و توصیه نامه های خود پیشگیری را از اولویت های سیاست جنایی در اروپا می داند. امروزه در سطح داخلی نیز دولت ها

کمیسیون یا کمیته یا شورای خاصی را به عنوان متولی و مسئول پیشگیری از بزهکاری ایجاد نموده، مدیریت آن را به وزارت کشور (مثلاً در انگلستان) یا به وزارت دادگستری (مثلاً در نروژ، دانمارک) یا به طور مشترک به دو وزارتخانه کشور و دادگستری (مثلاً در هلند) یا به صورت مدیریت مشترک به نمایندگان جمعی از وزارتخانه‌ها (مثلاً در فرانسه) یا مستقیماً به سازمان پلیس (مثلاً در قبرس) محول می‌کنند یا بعضی کشورها نهاد مستقلی را برای اداره و هدایت امر پیشگیری ایجاد می‌نمایند. در ایران نیز پیشگیری از بزهکاری در متون رسمی مورد توجه قرار گرفته و این مفهوم علاوه بر ورود در نوشته‌های فارسی جرم‌شناسی، در بعضی قوانین و مقررات نیز وارد شده است. در نظام جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصل «اصلاح و درمان بهتر از کیفر و پیشگیری بهتر از درمان است»

بخش دوم: اهمیت پیشگیری از جرم و مشکلات پلیس در بعد پیشگیری

۱- دانش جرم‌شناسی در راستای شناخت عوامل ارتکاب جرم در ارتباط با بزهکاران یا بزه‌دیدگان و چه در ارتباط با جامعه یا دولت و به منظور درک بهتر و علمی وقوع جرایم و شناخت راه‌های کنترل فراگیر جرم با تمرکز بر پیشگیری یا کاهش وقوع جرم؛ از هنگام پیدایش جرم‌شناسی علمی تا امروز راه‌های متفاوتی را برای دست‌یابی به این اهداف شناسایی و پیموده است. این دانش اگرچه هنوز به مقصد اطمینان بخشی نرسیده است ولی تجربه‌ها و دستاوردهای ارزشمندی برای پویندگان این دانش و همه‌ی نقش‌آفرینان پدیده مجرمانه به دنبال داشته است.

۲- اهمیت پیشگیری از جرم به منزله‌ی بنیادی‌ترین راه کنترل جرم به دو دلیل بستگی دارد. نخست این که، پیشگیری از جرم بهتر از تدابیر واکنشی، نظم و آسایش فردی و

اجتماعی را تامین می کند . زیرا آمارها نشان داده است که در بسیاری موارد ، از یک سو مرتکبان جرم ها شناسایی ، دستگیر و کیفر نمی شوند و از سوی دیگر اجرای کیفر بیش از آن که پیامدهای جرم را از بین ببرد به گونه های مختلف موجبات مشکلات متعدد در جامعه از جمله ترس و نگرانی از جرم را فراهم می کند.

دوم این که ، تکرار جرم و تداوم به ظاهر دوری ناپذیر وقوع آن به ویژه اگر دارای روند رو به رشد باشد باعث ناامیدی و در نتیجه کاهش آستانه تحمل دستگاه های عمومی پاسخ دهنده به پدیده مجرمانه از جمله پلیس و دستگاه قضایی می شود و از این رو، افزایش میزان کیفرها ، اتخاذ تدابیر سخت گیرانه و اعمال خشونت و فشار را در پی خواهد داشت.

یکی از بحث های مهم در جرم شناسی، پیشگیری از وقوع جرائم می باشد. امروزه در اکثر کشورهای جهان دربررسی های عملی و عمیق در زمینه حفظ نظم و امنیت در سطح جوامع ، توجه و دقت بیشتری نسبت به گذشته در مورد جلوگیری از وقوع جرائم مبذول می دارند و سازمان های ذیربط در این امر سرمایه گذاری فراوان می کنند. پلیس این گونه کشورها، نیرو و توان و بخش قابل ملاحظه ای از امکانات خود را به این منظور اختصاص می دهند، به ویژه در زمینه مقابله با جرائم سازمان یافته که عواقب و تبعات نگران کننده و لطمات بیشتری در بردارند. در پژوهش و مطالعات جدید جرم شناسی موضوع جلوگیری از جرم به عنوان مهم ترین راه برخورد با بزهکاری، مورد نظر علمای مربوطه است و تلاش دارند با توجه به اصل کلی که همیشه پیشگیری ساده تر و کم هزینه تر از درمان است، راه هایی اساسی برای مقابله با جرائم معرفی نمایند. آنچه که در بررسی های جرم شناسی و ریشه یابی انحرافات مورد نظر قرار می گیرد عوامل و علل موجب، شرایط و انگیزه های

انگیزه‌های جرم‌زا، از تاثیر و نفوذ آن‌ها بر افراد جامعه جلوگیری نمود و یا اثرات آن‌ها را کاهش داد. از بین بردن فاکتورهای جرم‌زا بسیار ایده آل است، ولی چون جامعه و امور آن در کنترل فرد یا سازمان خاصی نیست و یا این که نمی‌توان آن را محصور نمود، طبیعی است ریشه‌کشی فاکتورها بسیار مشکل است ولی می‌توان فاکتورها را تقلیل داد و یا با محدود نمودن اثرات سوء آن‌ها افراد را تا حدی از آسیب حفاظت نمود. از سوی دیگر مشاهده می‌شود هیچ جامعه‌ای از بزهکاری مصون نیست در هر جامعه متناسب با شرایط ویژه آن انواع جرائم و تبهکاری وجود دارد. برخی از این جرائم کم و بیش در اکثر نقاط جهان دیده می‌شود و پاره‌ای دیگر مربوط به نقاط خاص است و بالاخره تعدادی از جرائم نسبی است. کمیت و کیفیت وقوع جرائم نیز در جوامع مختلف بسیار متفاوت است. ولی به هر صورت مردم کلیه مناطق جهان با سازگاری و رفتار نابهنجار، نابسامان، خلاف ارزش‌های محیط خود و در نهایت بزهکاری و تبهکاری عده‌ای مواجه هستند. بنابراین با توجه به وجود پدیده‌ای به نام جرم و مطالب فشرده‌ای که پیرامون آن ذکر شد، مهم‌ترین راه و روش مقابله با آن اتخاذ برنامه و تدابیری اساسی و هماهنگ در رابطه با هر سه موردی است که بدان‌ها اشاره شد، یعنی: «تلاش در زدودن عوامل جرم‌زا در جامعه، کوشش به منظور عدم تاثیر عوامل جرم‌زای موجود در جامعه بر افراد و در نهایت کنترل عوامل مذکور برای جلوگیری از وقوع جرائم و جدیت در کشف جرائم واقعی» با نگرش به تنوع و فراوانی عوامل مذکور که در سطح جامعه گسترده است و مرتبط بودن آن‌ها با ارکان جامعه، مقابله و پیشگیری از این جهت، به همین وسعت برنامه ریزی می‌خواهد.

به عبارتی دیگر هر نوع کوتاهی و کندی حرکت در هر یک از بخش‌های اجتماعی که مسئولیت و وظیفه‌ای را به عهده دارند در شکل‌گیری خلافاکارها و انحرافات اثر دارد. در

این قسمت از مقابله با جرائم بر خورد با آسیب های اجتماعی است که برای رسیدن به راه های مناسب باید به وظایف و مسئولیت های سازمان ها مراجعه و نقش آن ها را از این جهت مورد بررسی قرار داد. مرحله بعدی پیشگیری مربوط به فعالیت ها و اقدام های سازمان هایی است که مسئولیت امور فرهنگی، پرورشی و تربیتی جامعه راعهده دارند. در این بخش با فرض وجود عوامل آسیب رساننده، تلاش می شود با اثرات آن ها مقابله و تا حد امکان مردم را در مصونیت قرار داد.

سومین مرحله، پیشگیری از وقوع جرائم است که به آن مقابله و بر خورد با مجرمین هم گفته می شود. جلوگیری از جرایمی که در حال وقوع است، مجرمینی که قصد ارتکاب جرم دارند و مقدمات کار را فراهم نموده اند با دخالت به موقع، اقدام آن ها عقیم و در لحظات اولیه شروع به جرم، ناکام می گردند. اموری که در مرحله اخیر به آن ها اشاره شد وظیفه ای است که پلیس و قوه قضائیه هر جامعه بر عهده دارند. نقش پلیس در مقابله با جرائم از نظر جرم شناسی نقش مشکلی است. چرا که در کلیه مجامع عمومی پلیس را مسئول حفظ نظم و امنیت جامعه می شناسند و حتی در این رابطه تشکیلات قضایی نیز کمتر مورد توجه قرار دارند. همواره در مورد وقوع جرائم به ویژه زمانی که آمار جرائم افزایش می یابد یا وقوع جرمی جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد، نگاه ها به سوی پلیس است و به طور معمول کمتر به صورت جدی موضوع ارتباط مسائل، مشکلات و نابسامانی های اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و نظایر این ها را با نابهنجاری ها مد نظر قرار می دهند. البته طبیعی است، چون در تقسیم وظیفه بین سازمان ها، این وظیفه به نام پلیس ثبت شده است.

این نکته نقش نیروی انتظامی کشور را در بر خورد با جرائم به خصوص پیشگیری از

وقوع هر نوع خلافتکاری بیشتر متجلی می سازد. پلیس باید کاملاً به این امر واقف باشد و به

دور از مطالبی که عنوان شد با شناخت توقع و انتظارات مردم و مسئولان به طور عمیق به مسئولیت خود توجه نماید و به کاملترین و مطلوبترین شکل، آن را به انجام رساند. مسئولیتی خطیر و همه جانبه، نه فقط جرم و خلاف بلکه در همه ی ابعاد و امور جامعه. هر اندازه به این نکته بیشتر عنایت شود بین اقشار مختلف جامع محبوب تر خواهد بود. به هر شکل در سطح هر جامعه و به رغم حضور پلیس، جرائم و حوادث متنوعی واقع می شود. تدارک و تجهیز پلیس و پلیس بازدارنده از وقوع جرم باید منطبق با معیار های فنی و علمی باشد. هم چنین حضور پلیس در صحنه ی جامعه و احساس حضور او از سوی مردم یکی از ارکان علمی حفظ نظم و امنیت به شمار می آید. امروزه پلیس تلاش دارد با تمام توان مانعی برای وقوع جرم باشد و نقش خود را از این نظر به سطح بالایی برساند. ابتدا برخورد با کسانی که قصد ارتکاب جرم دارند و سپس پیگیری جرائم واقعه و تعقیب مجرمین، که این دو بخش مکمل هم اند و چنین روشی نشانه بارز توان مدیریتی و عملیاتی پلیس می باشد. لذا نبود مدیریت متمرکز در زمینه پیگیری از جرم از مشکلات بنیادین پیگیری از جرم در ایران به شمار می آید. از این رو، تاسیس نهادی ملی مانند شورای عالی پیگیری از جرم یا برنامه ملی پیگیری از جرم تا اندازه ای می تواند در کاهش میزان بزهکاری موثر باشد. هم چنین در قانون مجازات اسلامی ایران پیگیری از جرایم مجرمین سابقه دار به طور مشخص مورد توجه قرار نگرفته است و نیازمند وضع قوانین صریح و روشن در این زمینه می باشد. اما نکته مهم در این باب مرتبط است با لزوم تحوّل در نظام های جزایی و نهادهای قانون گذاری و قضایی، زیرا همان گونه که صنعت جرم صورتی نوین یافته، شیوه های پیگیری و کنترل آن نیز تحولاتی را می طلبند، تحولاتی که تحقق بخشی از آن ها در بطن بازدارندگی ضروری است. به همین منظور، در مقاله پیش رو، ابتدا نا به شرح مفهوم بازدارندگی و بررسی ماهیت نظریّه بازدارندگی مجازات پرداخته و سپس

مقوله‌ی پیشگیری از جرم را شرح خواهیم داد و بعد از آن به معنی ابزارهای ضروری تولد پیشگیری از بطن بازدارندگی با اشاره به عرصه‌های تقنینی و قضایی می‌پردازیم.

بخش سوم: نقش پلیس در پیشگیری از وقوع جرم

هر نقش اجتماعی با توجه به عرف - سنتها - عقاید - رفتارها و نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. نقش پلیس نیز به همین اساس شکل گرفته و البته ویژگی نظامندی و سازماندهی بدان افزوده است. پلیس به حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرمان جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سالهاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته اند. پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است که در تمام کشورها از جمله وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و بیشتر اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است. اعضای پلیس افراد آموزش دیده و ورزیده ای هستند که پیشگیری از جرایم می نمایند. در مقام وظایف پلیس اقدامات زیر را انجام می دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پیشگیری از جرایم مؤثر است.

حمایت از بزه دیدگان بالقوه جرایم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد. دریافت گزارشهایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایم، حضور در صحنه های جرم یا محتمل به بزهکاری - ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه های امنیتی و پیشگیری از جرایم - ارائه برنامه ها و طرحهای امن سازی محله ها و محیطهای خاص شهری در مقابل مجرمان

حرفه ایی - ارائه پیشنهادات علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذیصلاح، تهیه آمار جرایم اعم از شروع به جرم، جرایم تام، عقیم و محال به تفکیک جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت. البته در کشورهای مختلف اختیارات پلیس دارای محدودیتهای معین و گسترده تر از نهاد مشابه آن در سایر کشورها می باشد. همین امر منجر به آن شده تا تفاسیر متعددی از مفهوم پلیس ارائه شده و گاه بتوان آن را به مفهوم مجموعه سازمانی مقابله و مبارزه با جرایم محسوب داشت که در این صورت شامل سازمان قضایی و دادگستری نیز خواهد بود.

در کشورمان در تفسیر محدود پلیس در برگیرنده ماموران نیروی انتظامی است که حدود اختیارات و وظایف آن در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹ و برخی از قوانین و مقررات دیگر ذکر شده است بنابراین نمی توان معتقد گردید که پلیس تنها مجری امر پیشگیری در کشورمان به شمار آید از بعد تطبیقی در انگلیس امر پیشگیری از جرم را پلیس بر عهده دارد و در سوئد سازمان مستقلی متولی این امر است. در بلژیک مدیریت پیشگیری را وزارت دادگستری و پلیس به طور مشترک عهده دار هستند. اگر چه پلیس به موجب قانون امر پیشگیری از جرم را بر عهده دارد اما ایرادهایی از حیث ساختاری و اجرایی بر این ارگان وارد شده که نمی توان آنها را انکار کرد.

اولا. سازمانهایی همچون پلیس و سایر ارگانهای حفاظت اجتماعی که از بودجه عمومی تغذیه شده و به موجب قانون صلاحیت و اقتدار لازم را برای کنترل جرایم دارا هستند خود باید تحت کنترل و بازرسی منظم باشند. این کنترل بندرت انجام می شود و اگر صورت گیرد بدقت انجام نمی شود.

ثانیا: وظیفه امنیت و جلوگیری از ارتکاب جرایم امروزه بیشتر فدای تعهد به رسیدگی به شکایات و اجرای مجازات شده که به اندازه کافی وقت و بودجه سازمانهای انتظامی را به خود اختصاص دهد. بنابراین می توان معتقد گردید که باید نظام کنترل مقداری انفکاک بیشتری از نظام دادرسی داشته باشد. البته ایده اخیری با این ایراد عمده روبرست که تنها با حضور در صحنه و درک واقعیتهای جرایم محقق می توان راهکارهای عملیاتی و قابل اجراء در کنترل جرایم داد

بخش چهارم: ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری انتظامی و امنیتی

پیشگیری از وقوع جرایم و جلوگیری از فروافتادن افراد در ورطه جرم و گناه یکی از آمال و آرمانهای تمام جوامع بشری است و رشد روز افزون و پیچیدگیهای خاص جرایم و پائین آمدن سن ارتکاب جرم از عواملی است که بر اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری انتظامی می افزاید. «علی اکبر باصری» مدرس دانشگاه، در مقاله ای به بررسی این موضوع پرداخته است. به گزارش ایسنا، خلاصه ای این مقاله به این شرح است: «جرم شناسی ناسازگاری افراد در اجتماع را عمل ضداجتماعی و جرم می داند. به عقیده جرم شناسان هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثریت افراد یک جامعه خطرناک باشد باید جرم نامیده شود. در جرم شناسی مفهوم جرم از نظر دفاع اجتماعی از طریق کیفر، طرد، اصلاح و درمان بزهکاران مطرح است. بنابراین مفهوم جرم در جرم شناسی فارغ از بررسی حقوقی و قضایی مربوط به شرایط قانونی پدیده مجرمانه بوده، بیشتر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی قبل از ارتکاب جرم را مورد توجه قرار می دهد. جرم شناسی براساس مشاهدات و تجربیات علمی به دنبال تعیین رفتارهای ضداجتماعی است تا از این طریق بتواند حمایت

وسیع‌تر از دیدگاه جزایی است و در یک تقسیم‌بندی می‌توان این واکنش‌ها را به سه دسته اقدامات پیشگیرانه، اقدامات تأمینی و تربیتی و مجازات‌ها تقسیم کرد.

بند اول: اقدامات پیشگیرانه

همان‌گونه که نمی‌توان هیچ یک از امراض را ریشه‌کن نمود، بزهکاری و ارتکاب جرم را نیز نمی‌توان به صورت کامل و مطلق ریشه‌کن کرد؛ ولی می‌توان با اقدامات پیشگیرانه و مجازات‌های صحیح علل ارتکاب جرم را تقلیل داد. همه ما مجرمان بالقوه هستیم. تنها چیزی که مجرم و غیرمجرم را متمایز می‌کند، این است که مجرم مرتکب جرم شده است و سدهای انفرادی و اجتماعی نتوانسته او را از ارتکاب جرم باز دارد و او در موقعیت خاص مرتکب عمل کیفری شده است. جرم‌شناس با بررسی راه‌های ارتکاب جرم همواره به دنبال یافتن راهی است که مجرم در موقعیت ارتکاب جرم قرار نگیرد و از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا نگذارد که مهم‌ترین این راه‌ها اقدامات پیشگیرانه است. امروزه مشخص شده که راه جلوگیری از پیدایش جرم تنها استفاده از مجازات نیست. اقدامات انفرادی و اجتماعی دیگری نیز وجود دارد که بیش از برقراری مجازات مؤثر است و به همین علت است که دولت‌ها درصدد استفاده از اقدامات پیشگیرانه برآمده است. کیفر بزهکار را اصلاح نمی‌کند؛ بلکه در او ایجاد کینه می‌کند و وی را دشمن جدی و خطرناک جامعه می‌سازد. به این ترتیب شاید بتوان گفت کیفر به نوعی تشویق به تکرار جرم است و زندان و ندامتگاه، آبرویی برای افراد خاطی باقی نمی‌گذارد و فرد بی‌آبرو برای جامعه بسیار خطرناک است. به عبارتی کیفر مبارزه با بزهکار است نه بزهکاری. جرم‌شناس سعی می‌کند عواملی که باعث به وجود آمدن جرم می‌شود را شناسایی کرده و با آنها مبارزه کند. اساسی‌ترین عمل یک جرم‌شناس پیشگیری است. استفاده بیش از حد هر قانون موجب بی‌ارزش آن قانون می‌گردد و کثرت استفاده از مجازات‌ها باعث می‌شود که جرم

قبح خود را در جامعه از دست بدهد. پس تلاش‌های جرم‌شناس در واقع برای خود قانون هم، در شرایطی یک نوع رابطه و احترام پیش‌بینی می‌کند تا از طریق احترام به قوانین به پیشگیری‌های موفق دست یابد.

بند دوم: اقدامات تأمینی و تربیتی

توسعه و گسترش علوم به خصوص اشاعه و نفوذ زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی در قلمرو شناخت انسان از اواخر قرن نوزدهم موجب گردید تا پدیده مجازات نیز مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد و لزوم اجرای آن با شدت وحدتی که وجود داشت، مورد تردید واقع شود. بر همین مبنا جامعه در قبال مجرم به دلیل این شناخت جدید، عکس‌العمل معتدل‌تری را پذیرفت که در ابتدا عنوان «اقدامات تأمینی» و سپس در برخی از کشورها «اقدامات تأمینی و تربیتی» نام گرفت؛ عنوانی که امید به حصول موفقیت در جلوگیری از جرم و بخصوص تکرار آن را زیاد می‌کرد. نحوه اعمال این اقدامات حسب سیاست کیفری و جنایی کشورهای مختلف فوق می‌کند، به طوری که در برخی از کشورها (سیستم‌های حقوقی) مجازات‌ها و اقدامات تأمینی در کنار هم به اجرا درمی‌آیند. در بعضی دیگر اقدامات تأمینی مقدم بر اعمال کیفرهاست و در پاره‌ای از آنها اقدامات تأمینی مؤخر بر اجرای مجازات‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. داده‌های تجربی و علمی عصر حاضر بیشتر متمایل به اجرای همزمان اقدامات تأمینی و مجازات‌ها گاه تقدم اقدامات تأمینی است؛ زیرا تمایل شدید به اصلاح بزه‌کاران و باز اجتماعی کردن آنان ضرورت اعمال این اقدامات را بیش از گذشته آشکار می‌کند. از سوی دیگر نمی‌توان مقاومت آن گروه از حقوقدانان جزایی که متمایل به اجرای مجازات‌ها و حتی تشدید آنها هستند و به

ایشان به اعمال این اقدامات گاه خطرهای جدی برای طرفداران تعدیل در اجرای مجازات‌ها ایجاد کرده است.

بند سوم: مجازات

با وجود اختلاف موجود در مفهوم بزهکاری در حقوق کیفری، اکثر ممالک در برابر آن مواضع مشترکی دارند این مواضع عبارتند از:

۱- غیرقابل بخشش بودن جرم به طور کلی.

۲- متناسب بودن مجازات با هرج و مرج اجتماعی ناشی از جرم.

۳- پیش‌بینی عکس‌العمل برای ارتکاب عمل مجرمانه.

جرم‌شناسی ضمن قبول اصول کلی این مفاهیم معتقد است که در هر زمان و مکان در هر شرایطی که عمل بزهکارانه اتفاق می‌افتد باید قبل از انجام هرکاری مبادرت به شناسایی همه جانبه شخصیت مجرم، گذشته مجرم، امیال و هواهای سرکوفته، شرایط زندگی و بالاخره علل وقوع جرم ورزید و نمی‌توان صرفاً به لحاظ یک عمل خلاف برای فردی بدون ملاحظه عوامل فوق‌الذکر مجازات معین نمود. افراد با توجه به مقتضیات زندگی، جنس، سن، ویژگی‌های روانی و عاطفی با هم متفاوت هستند و با بررسی این عوامل و درک صحیح از آنهاست که می‌توان مجازات مناسبی برای عامل جرم در نظر گرفت.

بدیهی است با امعان نظر در عوامل مذکور هنگام تعیین مجازات به اهداف انسان دوستان جرم‌شناسی؛ یعنی معالجه بیماری و پیشگیری آن در جهت سالم‌سازی محیط جامعه، عمل کرده‌ایم. باید توجه داشت در حقوق جزا وجود اصل قانونی‌بودن مجازات خود می‌تواند

به نوعی در ایجاد جرم در جامعه کمک نماید و از نظر حقوق جزا مادامی که فعل مجرمانه انجان نگرفته است نمی‌توان برای آن مجازات تعیین نمود؛ اما جرم‌شناس اعتقاد دارد که هرگاه حالت خطرناک وجود داشته باشد، اگرچه عمل مجرمانه انجان نشده باشد، باید به اقدامات پیشگیرانه و حتی مجازات دست زد تا جامعه از این خطرات مصون بماند. همانگونه که دید جرم‌شناس در پیشگیری از وقوع جرم وسیع و گسترده است، دید جرم‌شناس در مجازات نیز وسیع است و هر فعل یا ترک فعلی که در قانون نیز برای آن مجازات تعیین نشده باشد؛ اما از دید اجتماعی جرم محسوب شود را شامل می‌شود. اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق جزا یکی از اصول بنیادین است که موجب از بین رفتن خودکامگی قضات می‌گردد. همچنین در اصل ۳۶ قانون اساسی درخصوص اهمیت حقوق شهروندان و کاستن از خودکامگی احتمالی قضات آمده است، حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون ممکن است و به پیروی از این اصل در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است «هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». بنابراین از دیدگاه حقوق جزا همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد هر فعل یا ترک فعل را می‌توان جرم دانست که در قانون جرم شناخته شده است؛ اما از دیدگاه جرم‌شناسانه این اصل خالی از اشکال نیست؛ زیرا همان‌طور که بیان گردید از دیدگاه جرم‌شناسی علاوه بر جرایمی که در قانون معین شده جرم‌های دیگر نیز وجود دارد که در قانون احصا نگردیده است. در قوانین ایران با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که اذعان می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اولاً از این اصل چنین نتیجه‌گیری می‌شود که قانونگذار نیز پذیرفته که دعوایی وجود دارد که در قانون از آن یاد نشده است. ثانیاً قاضی موظف است که این احکام را در منابع معتبر اسلامی بیابد و حکم قضیه را صادر کند. از دیدگاه جرم‌شناسی دامنه جرایم وسیع‌تر و به تبع آن گستره مجازات‌ها نیز وسیع‌تر است و قاضی برای مجازات، قلمرو وسیع‌تری را در اختیار دارد.

مخلص کلام این که جرم‌شناسان در سلسله مراتب برخورداری با مجرمان در وهله نخست سعی در پیشگیری از وقوع جرم و در وهله دوم نظر به اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی و در نهایت نظر به اجرای مجازات و کیفر دارند. پیشگیری انتظامی بر پایه اقدامات پلیسی در جهت حمایت از شهروندان آسیب‌پذیر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی و افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم مبتنی است. متولی اصلی این نوع پیشگیری، نیروی انتظامی است که جهت تحقق آن، بایستی رویکرد جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند، زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی - پیش‌جنایی - توسط پلیس است و حال آنکه وظایف سنتی پلیس عمدتاً در برگیرنده اقدامات واکنشی - پس‌جنایی - در جهت کشف و تعقیب مجرمین است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان پیشگیری انتظامی را اینگونه تعریف نمود؛ مجموعه تدابیر و اقدامات کنشی و واکنشی نیروی پلیس که با حمایت از افراد در معرض خطر، افزایش آگاهی‌های عمومی، نظارت بر اماکن عمومی، افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم و مداخله پس از وقوع جرم و مداخله پس از وقوع جرم در صدد پیشگیری از ارتکاب جرم در جامعه است. برای تبیین موضوع ابتدا به مفهوم و مبانی پیشگیری انتظامی و سپس به ارائه راهکارها و پیشنهادها پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد در اندیشه بازدارندگی، تأثیرگذاری بر توان تصمیم‌گیری افراد در ارتکاب اعمالشان از طریق نمایش تحمیل نهاد سرکوب‌گر بر مجرمان، خاکریزی است، در جهت حمایت از لزوم کاربرد ضمانت اجراهایی کیفری بر مرتکبان، مسأله‌ای که ملازمی دیرین با پیشگیری از جرم دارد. شایان ذکر است که اعتماد به ابزار پیشگیری کیفری که از قدمتی دیرین برخوردار می‌باشد، امروزه نیز در جوامع کنونی، پس از یک وقفه نسبتاً طولانی و به ویژه متعاقب ناکامی‌های حاصله از روش‌های اصلاح و درمان، طرفداران بسیاری را به خود جلب نموده است، طرفداری که مخصوصاً در کشور خودمان با توجّه به اجرای پی‌درپی انواع مجازات‌ها به صورت علنی و در ملأ عام در سال‌های اخیر رخ می‌نمایند، به طوری که علاوه بر این حرکت می‌توان فلسفه‌ی اجرای طرح‌های ارتقای امنیت اجتماعی و اخلاقی از جانب نیروی انتظامی و حضور هرچه پررنگ‌تر پلیس در ابعاد انتظامی و راهنمایی و رانندگی در سطح جامعه را در همین راستا، یعنی ایجاد ترس در زمینه‌ی گذشتن از خط قرمزهای اجتماعی دانست، هرچند که بایستی به کاستی‌های تدبیر پیشگیری کیفری نیز اذعان داشت و برای پر کردن خلأهای موجود، بهره‌جویی از سایر تدابیر پیشگیری را از یاد نبرد، چرا که اثرگذاری روش‌های کیفری پیشگیری در برخی ابعاد نیازمند انجام اقدامات پیشینی پیشگیری است.

منابع و مأخذ

بند اول - کتب

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، چاپ اول، تهران، نشر گرایش.
۲. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ هجدهم، تهران، نشر میزان.
۳. بکاریا، سزار، (۱۳۸)، رساله جرایم و مجازات‌ها، محمد علی اردبیلی، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان.
۴. بولک، برنار، (۱۳۸۵)، کیفرشناسی، علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد.
۵. پرادل، ژان، تاریخ، (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۶. تبیت، مارک، (۱۳۸۴)، فلسفه حقوق، حسن رضایی خاوری، چاپ اول، مشهد، موسسه فرهنگی قدس.
۷. روت، میچل، (۱۳۸۵)، تاریخ عدالت کیفری، ساناز الستی، جلد نخست، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۷۸)، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. شورای اروپا، (۱۳۸۴)، گزارش جرم‌زدایی اروپایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسیل.
۱۰. صلاحی، جاوید، (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۱۱. مظفری، محمد رضا، (۱۳۷۷)، مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۲. غلامی، حسین، (۱۳۸۲)، تکرار جرم (بررسی حقوق و جرم‌شناختی)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۳. فریدمن، لارنس، (۱۳۸۶)، بازدارندگی، روح الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان‌پور بناب، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. فلچر، جورج، (۱۳۸۴)، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، سید مهدی سیدزاده ثانی، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۵. کاپلستون، فردیک، (۱۳۸۲)، تاریخ فلسفه، بهاء الدین خرمشاهی، جلد هشتم، چاپ سوم، تهران، انتشارات سروش.
۱۶. گسن، ریمون، (۱۳۷)، جرم‌شناسی کاربردی، مهدی کی‌نیا، چاپ اول، ناشر مترجم.
۱۷. لازرژ، کریستین، (۱۴۸۲)، درآمدی بر سیاست جنایی، علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۸. محسنی، مرتضی، (۱۳۸۲)، دوره حقوق جزای عمومی (دو مجلد)، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۹. منتسکیو، بارن، (۱۳۷)، روح القوانين، علی اکبر مهتدی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر.

بند دوم: مقالات و پایان‌نامه‌ها

۲۰. احمدی، نعمت، ۱۳۸۶/۱۲/۱۹، «همین قدم هم غنیمت است»، روزنامه اعتماد ملی.
۲۱. بابایی، احسان، (۱۳۸۶)، «مبانی حقوق شهروندی در اسلام»، مقالات برگزیده | ۱۹ همایش حقوق شهروندی، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات.

۲۲. بهرامی، بهرام، ۱۳۸۶/۱۱/۲۵، «توقف اجرای علنی اعدام»، روزنامه همشهری.
۲۳. داوودی گرمارودی، هما، «مکتب نئوکلاسیسیم باز اندیشیده و احیای رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸.
۲۴. رضایی سیاوش، ۳۸۷/۲/۷، «خلاء قانونی در مبارزه با قاچاق کال»، روزنامه ایران.
۲۵. شیر، عباس، (۱۳۸۷)، «جلوه‌هایی از عدالت ترمیمی در حقوق اسلامی»، اندیشه‌هایی در حقوق اسلامی، دانشگاه امام صادق، (الف)
۲۶. شیر، عباس، (۱۳۸۵)، «عدالت ترمیمی»، رساله‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، (ب)
۲۷. شیر، عباس، (۱۳۸۶)، «نقد و بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه مطالعات و پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، شماره ۲، دوم، (ج)
۲۸. فلائکان، گری گوری، (۱۳۸۴)، «مهندسی جرم، عباس ایمانی، مجله کانون و کلا